

اگه گفتی ...

- ☺ میدونی غیر منتظره ترین عیدی پرای یک خواهر چیه؟ سوسک خشک شده
- ☺ سعی کن چوراپات زودتر از خودت حضورت رو در جمع اعلام کنن
- ☺ اگه موقع تعویل سال با سر پروی توی دیوار پرای همه خاطره میشه
- ☺ گل دادن دیگه تکراریه امسال زنبور هدیه پده
- ☺ آجیل خوردن روش خودشو داره.....اول پسته ها بعد فندق آخر سر هم نخود
- ☺ به میزبان یادآوری کن فصل موز هیچوقت تموم نمیشه
- ☺ پچه ی مهمان رو پنداز بالا دیگه لازم نیست بگیریش
- ☺ همه میگن گلویزیون عقل رو زایل می کنه اول عید گلویزیون رو پترکون
- ☺ خلاق باش.....با وسایل خائنه هم میشه فوتبال بازی کرد
- ☺ طعم جدید پسابز.....نمک تو چای چه طوره؟؟؟؟؟؟؟؟
- ☺ می خوای مامان رو خوشحال کنی؟؟؟همه ی فامیلهای پاپات رو پی خبر دعوت کن
- ☺ اگه شیلنگ آپ رو باز کنی تو ماشین پاپا اون صاحب یک آکوارיום متحرک میشه
- ☺ پاپات به تنوع احتیاج داره.....پراش کارت تبریک عشقولانه ی پی نام و نشون پفرست
- ☺ اگه مامانت از وسایل خونه خسته شده چهار شنبه سوری رو تو خونه بگیر
- ☺ می خوای صدا قشنگه مامان رو بشنوی؟؟تو پذیرایی گریه پنداز
- ☺ اگه می خوای شیک به نظر برسی لباسای پاپات رو بپوش
- ☺ به خواهرت نشون پده با گتش پاشنه بلند هم میشه فوتبال بازی کرد
- ☺ پادام های آجیل رو تست کن تلخ نباشه

..... در تواریخ و کتب و سفرنامه ها مسطور است که مرکز جمع قضاات نامانوس و وکیلان بی حرف و سراپا غرض در ینگه دنیا، عمارتی است که سر به افلاک بساید و اگر دیرن بالای آن آرزوی همی شود کلاه از سر خردمندان بر زمین افند. آن عمارت بلند را سازمان دول متفرد نام نهند و اندر آن مجمعی باشد شورای امنیت نام!

و این مرکز همانا جایی است که جمیع دزدان و راهزنان گردنه بندران دول متفرد در آن اجتماع نمایند و به رایزنی بپردازند و برای تمایل و ارشاء دزدان معتز حق را تاقق، اصل را فرغ ، قالم را مقلوم و نامرد را امرد جلوه دهند. و اینجاست که باید به شکوایه ای دولتینی که به نزاع دست بازیده اند رجوع همی شود و خلافتان قیاس نباید و بر سیبل مدارک و اسناد و شواهد فی حیات ، مملکه ای بپردازند و طرفین دعوی را به مالمکه کشند و هاکمی عادل از افاض بسر کار ایشان مباحثه ومشاوره همی کنند تا به عیان حقیقت روشن گردد و مقق به حق خویشتن برسر و خاطی منتبه همی شود.
کین در کمال فضاقت و وقاحت و بی شرمی و دروغ پردازی تاکنون اصل بر این منوال بوده و می باشد که در این مملکه کز امقلوم معلوم گردد و قالم هاکم ، از دیگر دزدان این مملکه نقل است در جمع ما عدل اگر نیست چه باک است؟

قضا را روزی نزاعی فی ما بین ملک ایران و امریکن در گرفت ، موارد نزاع ، سلطان بود که از ملک ایران بدانجا پناه برده بود و زهار خواسته بود و از بر ای خویش و خانواده وخصمت و پناهاهی جسته ، بزرگان ملک ایران بر این مساله اذخب نبودندی و بر ملت ایران این کار خوش نیامد. پس شوری تهیه دیدند و از دولت امریکن خواستند که ملک خائن را بازپس فرستد تا به جزای اعمالش برسر و آن دولت به این خواسته وقعی ننهد و آن لاشه را بازپس نفرستار و آتش عدلوت و دشمنی بیغرفخت، این منازعه بالا گرفت. تا به آنجا رسید که تنی چند از جوانان پرومند و مومن ایران زمین به جاسوسخانه امریکن جمله برند و آنجا را متصرف همی شدند. و اظهار بردارند تا نهید و بازنگردانید جاسوسخانه شما را به گروگان همی گیریم و آزاد نگردانیم.
دگر بار دولت مفسره جوی امریکن بر پس فرستادن



سلطان وقه نهدار و به جوانان غیرتمن ایران زمین هشدار برد که چنین و چنان کنم و ماست را به دروغ گره زتم و شکر از پنیر برآورم و ... القعه کار این نزاع به همان شورای کزای امنیت بکشید و قاضیان آن رای بر ملکومیت ایران بردارند و توصیه نمودند که ایران زمین را تهریم اقتصادی نمایید و فلان و بوهان کنید کاین شیوه موثر نیفتاد و بر پایمردی بزرگان و ملت ایران بیاغزود.

روایت است که قضاات این مجمع بر سه گونه اند :
اول گروه قضاات پولیه باشند که سر تعظیم و تکریم فرود آرنند و عرض ارادت کنند و فرمان زورمندان ببرند

التواضع: ناکس

و حکم خویش از پیش مویا سازند و شرف خود در گرو و سیم و زر نهند و از فرایگان زر و زور اطلاعات همی کنند،ورای بر ملکومیت مقلوم انشاء نمایند و قالم را از پند برهاندن و بر غارتگری و چپاول ترغیب نمایند و بریشان بگویند: «بر مقلومان و بیچارگان فشار آورید و آنها را بچاپیر که نکوترین کارهاست. مولانا ابو الفرج بی شرم گمارانی در این باره چنین بلغور می فرمایند: که ما بنده زر، نوکر سیمیم
این کار چه سهل است که مادام توان کرد

از دان حق سفت گریزان
وین کار چه کاریست که هرگز نتوان کرد
دو۴ رقم:

همانا قضاات آریه باشند که می بنوشند و باره پاشامند و ساخر از ساقی مه پیکر بستانند و لاجرعه سر کشند و مست و لایققل گردند و عر بره های مستانه سردهند



بر افروزند و دور به ریتین بغرستند و از دماغ بیرون دهند و بدربال آن کیفور شوند. بعضشان هم چرس و بنگ و قلیان نهند و بر روی آن آتش بگیرانند و کام بستانند و از خود بیخود گردند و بی حس و قنوان در کنجی می آرهند و آنگاه در همان حالت رای خویشتن بگویند.وین رای

نیز همانا بر دم ملکومیت مقلوم می باشری و لاغیر. این گروه از قضاات به بی لیاقتی و بی کفایتی ، بی خبری و دیوانگی شوره اخاق می باشند. ربنا اهفلینا من شر قضاات الدوریه ، خلیل بن جبیل بنگی دودندی در این بازه یافته است.

مباحث همیشه محرم راز

بر چرس و شیش سفت پرداز

نوشته : فریدون دبیری (فراز)

ما فقط ورزشگاه را دوست داریم!!

پنجا به گفته کارشناسان و تحلیل کراخ و توپی شناسان همه (این دردسرها و آشوب ها) تقصیر هوای گرم و شرجه زده پندرعباس است وگرنه بازیکنان تیم و تماشاچی ها که قبلا عهد خاص و مشخصی بودند و تغییر در ترکیب آنها داده نشده همان هایی که با پول من و شمای پینچاره ی رشت و تهران می روند ، می خوردند و می آشامند و اسراف هم می کشند. و شیشه و در و پنجره هم می شکندند.

نتیجه گیری ورزشی :

(این باخت تقصیر راه آهن تهران و پگاه کیلان بود، آشوب و پلوا هم ژیر سر عناصر ناخلف پسرخاله پهرام پلنگ بود که بعداً حضرات محترم (دل تماشاچی نهما و بازیکنان یا اهدا لوح و گل و سکه و شیرینی در می آورند . شما هم خیلی به دل نگیرید و خودتان را ناراحت نکنید روزگار از این بالا و پایین ها زیاد دارد !

عده ای از تماشاگرتهاهای محترم و مودب (!) تیم شهرداری بعد از نیمه اول بازی اقدام به ریختن نقل ونبات البته از نوع سنگی و پرنده پر سر بازیکنان و عوامل تیم رقیب نمودند . گفتنی است؛ آن بازی هیچ ، خشن و چچالی که از سوی عده ای از آقایان ورزش دوست ترتیب داده شده بود در نهایت منجر به آپرومندی و آپروداری هرمزگان وهرمزگانی های عزیز گردید!! که یکی از اعضای شورای شهر که از باخت در مقابل پگاه کیلان دل پری داشت عقیده دارد این کککاری و نواژیدن از سوی تماشاگرتهاهای محترم پندرعباسی حق تیم رقیب را ادا کرد چرا که تیم شهرداری بدون هیچ دلیل موچهی اثر ابتدای امسال، روی غلنگ پدشاندنی افتاده و حالا باید هواداران ، کلافی را پر سر این و آخ درآورند آن هم با پرخوردهای ملایم و نرم فیزیکی!!

تقلب های با کلاسی تقلب

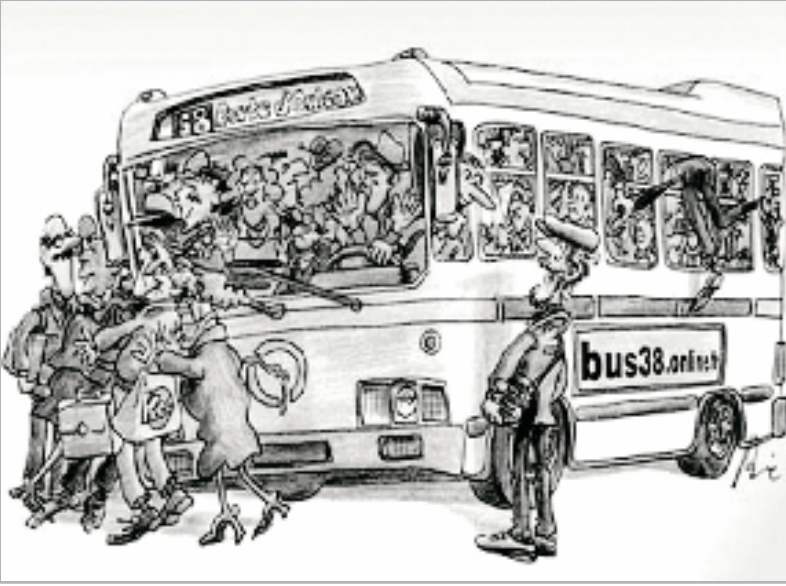
نوشتن روی دستمال دماخی، پاکت نامه نوشتن و لوله کردن تقلب و جاسازی آن در سوراخهای مفتنی از جمله دماخ، دهن، فک پایین، دریچه ی آئورت
روش های با کلاسی
استفاده از ماشین حسابهای مهندسی
استفاده از آئینه، موچین، لوازم آرایش، فیلم، عکس، تلن همراه
روش های جوادتی
اغفال نمودن یک قفره بپه خرفون
غم کردن سر به روی ورقه طرف به صورت تابلو
روش بویایی:خودتان ماسک بزبن و یک بوی گند از خودتان در بگینن تا مر اقب، جرات نزدیک شدن به شما را نکنند.
روش شیمیایی:

برین معنی که مر اقب را با انواع و اقسام مواد شیمیایی از هستی ساقط کنید و بعد با خیال راحت دست به کار شوید!



حال روش هایی از تقلب در امتحانات را به نظر تان می رسانیم :
روش های نوشتاری

اتوبوس خبرنگاران راه اندازی می شود ؟ !



می گویند: «تقلب مفهومی است پس اساسی»
تاریفه تقلب از جایی شروع می شود که حسن کچل برای نخستین بار تن لشش را تکان داد و به مکتب رفت. از بد ماجرا همان روز امتحان ماهیانه کورگان بر بخت مکتب بود.

لیک حسن از روی تنبلی، پشمان چیش را بر روی ورقه هزار انداخت تا نکته ای بس ارزشمنر از ورقه فوق الزکر، رشت کند. این بود که اولین تقلب تاریخ بشری زده شد. البته این تقلب با روشهای فوق العاده ابتدایی صورت گرفت .

برین تر تیب که حسن با کلی زور زدن خودش رو تگون دادر و به بالای ورقه هزار رسانید و خیلی راحت مطالب را دو در فرمود.

زان پس تقلب دور ان طلایی خود را آغاز کرد. برین ترتیب که گسترش یافت و مباریقی متفاوت پیدا کرد. از جمله تقلبهای رایج تقلبات سر امتحان، دو در کردن غذا از سلف، تقلب در اتو زدن، تقلب در شماره دادن، تقلب در مع زنی، تقلب در بازی (که از آن به جر زنی تعبیر می شود) را می شود نام برد

به گزارش خبرنگاری نته مراد (از قول یکی از اعضای خیلی محترم شورای شهر پی نشان اعلام شده که خبرنگاران از این پس نگران ایاپ و ذهاب خود نباشند.

این عضو شورای شهر که به دلایل امنیتی و انضباطی نخواست نامش فاش شود در گفت و گو با این خبرنگاری اعلام کرد: به خدا همیشه به (این قشر زحمتکش و قلم پدست و موبایل په گوش گفته ام پاژهم از تربیون مقدس شورا می گویم : پاها هر وقت خواستید چایی پروید البته چاهی مقدس نه (پارتی، یللی تللی و خدای ناکرده علاقی) پنده پا ماشین شخصی در خدمت هستم و بدون گرفتن هیچگونه وجهی آنها را په مقاصد عالیه شان خواهم رساند. وی که اصرار داشت حتما این گفته هایش توسط خبرنگاران ضبط شود و روز دیگر در رسانه ها منعکس شود تا وی که تا بحال در کمنا می سه سر می پرد این چند روز در شورا په نام و نشانی پرسد، پا تحکم گفت: من یار شقیق و رفیق همیشه در رکاب این عزیزانم، فقط هوای ما را داشته باشید و پد و پیراه نگویید تا چند صباچ هم ما در این نهاد مقدس تر از

